

یاری مسکو پایداری اوکراین

گلشن ساچدیوا



AFP، ۲۰۲۲

سیاسی جدی‌ای در بر خواهد داشت.

این رویدادها همگی از سه ماه پیش که یانو کوویچ، به ناگاه تصمیم گرفت ارتباط با اتحادیه اروپا و پیمان منطقه آزاد بازرگانی عمیق و فراگیر را رها کند، آغاز شد. وی به جای آن به سوی روسیه کشش پیدا کرد. سال‌های سال، اوکراین برای ارتباط نزدیک‌تر با اتحادیه اروپا کوشید و این موردی بود که شاید همه احزاب سیاسی اوکراین به‌دنبال آن بودند. در پی آن، مردم اوکراین که دستیابی به زندگی بهتر و آزادی بیشتر در اروپا را از دست‌رفته می‌دیدند، خشمگین شده و هزاران نفر در کی‌یف به راهپیمایی پرداختند. در میانه‌های دسامبر، روسیه پذیرفته بود که ۱۵میلیارددلار از اوراق قرضه اوکراین را خریداری کرده و همچنین به‌گونه‌ای چشمگیر قیمت گاز روسیه به اوکراین را کاهش دهد.

هنگامی که راهپیمایی‌ها گسترده‌تر شد، دولت اوکراین قانون سفت و سخت مبارزه با اعتراض‌ا را به تصویب رساند. راهپیمایی‌هایی که در برابر ترک اتحادیه اروپا آغاز شده بود رفته‌رفته دامان رئیس‌جمهور را گرفت و مردم خواستار رفتن وی شدند. در ماه ژانویه، رئیس‌جمهور امتیازهای بسیاری، همچون سمت نخست‌وزیری، به مخالفان خود داد ولی راهپیمایی‌ها پایان نیافت. کم‌کم اعتراض‌ها به خشونت کشیده شد و شماری از معترضان و نیز نیروهای پلیس کشته شدند. اتحادیه اروپا و ایالات متحده آمریکا بر آن شدند تا سرگوبگران این رخدادها را تحریم کنند. دیپلمات‌های جهانی پرتکاپو شدند و در یکی از نشست‌ها با میانجی‌گری اتحادیه اروپا موافقت شد. در تاریخ ۲۱ فوریه، با کمک وزیران خارجه آلمان، فرانسه و لهستان همراه با مشارکت پویای نماینده روسیه، پیمانی میان رهبران مخالفان و رئیس‌جمهور به امضا رسید. بر پایه این پیمان، بر سر اصلاح قانون اساسی سال ۲۰۰۴، بازنویسی قانون اساسی که باید تا ماه سپتامبر به پایان می‌رسید، برگزاری زودهنگام انتخابات ریاست‌جمهوری بعد از ماه دسامبر، بررسی خشونت‌ها و بخشش معترضان و غیره به توافق رسیدند.

هرچند پس از توافق، برخی از تندروان همچنان به اعتراض پافشاری کردند و گفتند که تا کناره‌گیری یانو کوویچ این‌کار را پیگیری خواهند کرد. در میان آشوب ۲۲ فوریه، رئیس‌جمهور از کی‌یف گریخت و مجلس به اداره کشور پرداخت؛ نخست‌وزیر پیشین اوکراین «یولیا تیموشنکو» از زندان آزاد شد وسخننگوی مجلس، «الکساندر تورچینف» وظایف رئیس‌جمهور را بر گردن گرفت. پس از آن، یانو کوویچ گفت که وی، کی‌یف را به‌خاطر آنچه «کودتا» می‌نامید، ترک کرده. اوپامای خسته از جنگ و اروپایی بحران‌زده از اقتصاد، آماده یک درگیری دیگر در اروپا نیستند.

شادی و سرخوشی آغازین آنان از خیزش آزادی‌خواهان در اوکراین به زودی به همکاری با روسیه بر سر اوکراین خواهد رسید پس از خیزش آغازین در کی‌یف، اینک نگاه‌ها به سوی کریمه چرخیده است، منطقه‌ای که در ازای تاریخ از آن

اوکراین در چمبره مغز

و حکومت‌های غیردموکراتیک همانند حکومت «یانو کوویچ» در اوکراین، زاییده‌ای جز فساد نخواهد داشت. به نظر می‌رسد در دنیای کنونی که مرزها درهم‌شکسته و همه می‌توانند به آسانی فواید دموکراسی و آزادی را در کشورهای غربی ببینند، حرکت مردم اوکراین در جهت سرنگونی حکومتی متمایل به روسیه چندان عجیب نباشد. اما سوال اینجاست حالا که این فرصت به‌وجود آمده تا اوکراین به اتحادیه اروپا بپیوندد چرا بخشی از جامعه آن ساز ناکوکار ر زده و تمایل به جدایی دارند؟ می‌توان به بعضی از پاسخ‌ها اشاره کرد مثلا اینکه آنها روسی‌تبارند یا در صورت الحاق کریمه به روسیه منافع بیشتری را خواهند داشت. ولی واقعا این توجهیات تا چه میزان صحیح است؟

خود روسیه نیز دست‌خوش اعتراضات بسیار به مدتل توتالیتری «پوتین» – «مدوfov» بوده است. نقش سرکوب و فضای اطلاعاتی شدید در روسیه بر هیچکس پوشیده نیست. بنابراین پیوسته کریمه به روسیه عला به معنای ورود به دنیای توتالیترالیسم است. چرا مردم تمایل دارند که به جای دموکراسی به سمت استبداد حرکت کنند، به‌هر صورت به‌نظر می‌رسد اقدام مجلس خودمختار کریمه در برگزاری همه‌پرسی پیشنهادیه شدید مردمی داشته باشد. بهتر است سوال را اینگونه مطرح کرد چرا مردم کشوری از آزادی گریزانند؟ نشریه «trends in cognitive science» که معتبرترین نشریه در زمینه علوم‌شناختی است در شماره اخیر خود (مارس ۲۰۱۴) مقاله‌ای بسیار خواندنی در زمینه ریشه‌های بیولوژیک نزاع‌های سیاسی به چاپ رسانده است. این مقاله به این سوال می‌پردازد که چرا شکل نزاع‌های سیاسی در اکثر کشورها مشابه هم است؟ چرا ما در همه‌جا گروهی را داریم که محافظه‌کار بوده و گروهی دیگر نیز طرفدار تغییر و اصلاح هستند. نویسنده در ادامه با استناد به تحقیقات روفرزان در این زمینه استدلال می‌کند که این تفاوت نگرش، ریشه در نحوه پردازش مغزی و تفاوت‌های نوروفیزیولوژیک افراد دارد. تحقیقات نشان داده کسانی که به محافظه‌کاری شهرت دارند در اتفاقات روزمره بیشتر به جنبه‌های منفی آن توجه می‌کنند و در عوض کسانی که رفرمیست هستند در مقابله با تصاویری که جنبه‌های منفی دارند واکنش فیزیولوژیک کمتری را در سیستم سمپاتیک خود نشان می‌دهند. این تفاوت حتی خود را در مطالعات تصویربرداری نیز نشان داده است. در مطالعاتی توسط fMRI (آر ام‌ای کاربردی) نشان داده شده که افراد محافظه‌کار در

روسیه بوده، اما در سال ۱۹۵۴ بخشی از اوکراین شد. پس از نخستین جنبش‌های غرب در کی‌یف، روسیه نیز انگار در کریمه کارهایی را آغاز کرده است. گویی غرب و روسیه در بازی شطرنج روبه‌روی یکدیگر قرار گرفته‌اند. از راه کریمه، روسیه کوشش خواهد کرد تا نشان دهد بدون یادیمیانی او، یکپارچگی اوکراین پشتوانه‌ای نخواهد داشت. روسیه نمی‌تواند کریمه را جدا سازد ولی از راه این منطقه می‌تواند اهمیت خود را در یکپارچگی و پایداری اوکراین نشان دهد و در پایان، روسیه خواهان پاسداری از منافع پخش روس‌زبان جنوب خاوری و نیز کریمه، از راه ساختار نوین فدرال و پیوستن اوکراین به برنامه اتحادیه گمرکی اوراسیاست. برای روسیه بهتر است که در همکاری با نخبگان نوین کی‌یف و نیز با اتحادیه اروپا به این آرمان‌ها دست یابد ولی از آنچه در چند هفته گذشته رخ داده اینگونه برمی‌آید که روسیه وادار به نشان دادن توانایی‌های جنگی و به کارگیری پیوندهای قومی خود خواهد بود تا به اوکراین و غرب یادآوری کند که راه آرامش و پایداری تنها از مسکو می‌گذرد.

گفت‌وگوهای به بیرون درز کرده دیپلمات‌های آمریکایی نشان می‌دهد که ایالات‌متحده باور چندانی به توانایی اتحادیه اروپا ندارد. جدا از دادن بیانه، آمریکا و اروپا جز محدودیت در دادن روایده به برخی، هیچ‌گونه کار سیاسی هماهنگی از خود نشان ندادند. گزارش شده که ایالات‌متحده همراه با اتحادیه اروپا در حال کار روی یک بسته اقتصادی، صندوق جهانی پول و دیگر شریکان جهانی هستند، اما چالش بزرگ اوکراین این کشور را با درسرهای اقتصادی بزرگی روبه‌رو کرده است. دولت تازه اوکراین می‌گوید که به ۳۵میلیارددلار در دوسال آینده برای جلوگیری از ورشکستگی نیاز دارد. روسیه هم‌اکنون سهمیلمیلیارددلار از اوراق قرضه معروف به یورویاندرز اوکراین را جدا از بسته ۱۵میلیارددلاری که پیش از آن اعلام کرده بود، خریداری کرده است. ولی دومیلیارددلار کمک بعدی، اینک بازایستاده است. در تلاش برای کاستن از آسیب به بخش بانکی و ذخایر ملی، بانک مرکزی اوکراین اکنون محدودیت برداشت ارز خارجی از سپرده‌های بانکی را به ۱۵هزار گریونا (برابر با هزاریورو) در روز کاهش داده است.

از آنجا که اروپا نمی‌تواند بی‌درنگ به اوکراین پیشنهاد عضویت در اتحادیه اروپا یا هر گونه کمک مالی بزرگی بدهد، این کشور برای پایداری باید تنها خود را به روسیه بدوزد. روسیه از شیوه مدیریت یانو کوویچ در پدیدآوری این وضعیت و فرار او از کشور بسیار ناخرسند است. بنابراین، راهکار روسیه پناهندن دوباره به میدان خواهد بود، نه بعنوان یک شریک تازه‌وارد برای غرب که به‌عنوان یک قدرت بزرگ و شناخته‌شده در منطقه که بدون او، اوکراین روی آرامش و پایداری را نخواهد دید.

منبع:ایراس
«استاد دانشگاه جواهر لعل نهرو، هندوستان



مواجهه با شرایط واجد ریسک فعالیت بیشتری را در مناطق آمیکدال و انسولا (مناطق مربوط به احساس و واکنش در هنگام خطر) از خود نشان می‌دهند. نگارنده حتی به ریشه‌های ژنتیکی این تفاوت نیز اشاره کرده و عنوان می‌کند که تمایلات سیاسی حتی قابلیت به ارث رسیدن را هم دارند. نگارنده در ادامه می‌افزاید که بسیاری از سیاستمداران فکر می‌کنند آنچه می‌گویند و به آن عمل می‌کنند یکسره ریشه در استدلال و تعقل دارد. فکر می‌کنند مردم باید حرف‌های آنان را به‌دلیل آنکه کاملا درست، منطقی و معقول است بپذیرند فارغ از اینکه بسیاری از برداشت‌ها و استدلال‌های آنان ریشه در فیزیولوژی مغز و نیز ژن‌های به ارث رسیده‌شان دارد نه استدلال واضح و مبرهن. از این‌رو شاید بتوان گفت که تمایل به آزادی همواره موضوعی مقبُول و معقول برای همه خواهد بود. شاید در مطالعات بعدی علوم اعصاب تفاوت مغز آزادی‌طلبان با کسانی که خود را در سایه یک حکومت توتالیتر مثل حکومت روسیه آرام‌تر می‌بینند نیز مشخص شود. چرا راه دموکراسی در استپ‌های روسیه و مناطق مجاور آن تا به این اندازه سخت است و چالش بر سر آن تا زمانه ما نیز ادامه دارد؟ چرا تمایل به آزادی مسبب تجزیه کشوری چون اوکراین می‌شود؟ چرا مردم روسیه در حکومت‌های خود در حال گره‌تبرداری از همان نظام بلشویکی اتحاد جماهیر شوروی هستند؟ آیا این همه، ریشه در نحوه پردازش ذهنی و مغزی آنها دارد؟

رابطه سیاست و علوم اعصاب در ابتدای راه است، اما به‌نظر می‌رسد که جهان امروز بیش از پیش نیازمند چنین ریشه‌یابی‌هایی است. در واقع راه دشوار آزادی در ابتدا باید از درون نوروِن‌های ما عبور کند و پردازش ذهنی ما باید آمادگی لازم را برای کسب آزادی داشته باشد. به‌نظر می‌رسد مغز انسان در سایه اینترنت و فضای مجازی در حال تغییر است و صد البته این تغییر ما را به سوی پیوندهای عمیق‌تر با جهان پیرامونی خواهد برد. از آن‌رو فضای مجازی شرایط بسیار خوبی را برای تغییر نوروفیزیولوژی ایجاد می‌کند تغییری که می‌تواند به سوی درک بهتر آزادی باشد. جهان به‌قول دکتر «سریع‌القلم» در آستانه یک انتقال بزرگ است. این انتقال در سایه فضای مجازی و توانایی مغز در تاثیرپذیری از این فضا مقدور و میسر شده است. اگر ما این ریشه‌ها را نشناسیم هیچگاه نمی‌توانیم در جهان به‌شدت تغییرکننده فعلی حرفی برای گفتن داشته باشیم.

سه‌شنبه • ۲۷ اسفند ۱۳۹۲ • سال یازدهم • شماره ۱۹۸۰ • ۷

شرق روزنامه

جهان • موسیقی

وَنزوئلاي چاوز و پس از چاوز	صفحه ۸
صدا و سیما به «موسیقی کودک» آسیب زده است	صفحه ۹
گشت‌وگذاری در «موزه مجلس» ۶۳	صفحه ۱۰

نگاه

روانشناسان از شخصیت «پوتین» چه می‌دانند؟

رهبر و استراتژیست مادرزاد

این روزها همه از ولادیمیر ولادیمیرویچ پوتین، رئیس‌جمهوری فدراسیون روسیه که در سال ۱۹۵۲ در لنینگراد به دنیا آمده



مهدي ملك‌محمد رواشتناس

است، صحبت می‌کنند. او که دکترای خود را در رشته اقتصاد از دب‌ارتمان حقوق دانشگاه ملی لنینگراد دریافت کرده و سپس در آلمان شرقی برای «ک‌ک‌ب» کار کرده است، این روزها در نقش رئیس‌جمهوری روسیه با در دست‌گرفتن بندر استراتژیک کریمه نزاع شرق‌وغرب را دوباره زنده کرده است. اما روانشناسی شخصیت او چیست؟ روانشناسان سیاسی در باب شخصیت او مقالات متعددی نوشته‌اند و تحقیقاتشان را در مجلات علمی به نظاره همگان گذاشته‌اند. مطلب زیر تلاش می‌کند از یافته‌های این تحقیقات و نوشته‌ها ترکیبی بیابد و روانشناسی شخصیت پیراسته و کاملی از او آرایه دهد.
نیپ‌شناسی شخصیت مایرو و بریزگر که یکی از متداول‌ترین و محبوب‌ترین تیپ‌شناسی‌های شخصیت در دنیای روانشناسی شخصیت است نیز وسیله‌ای خوب برای کنکااش در ویژگی‌های شخصیتی پوتین است. در این تیپ‌شناسی ۱۶ تیپ شخصیتی تعریف شده است. روانشناسان شخصیت، تیپ شخصیتی پوتین را «رونگرار، شمی، متفکر و قضاوتگر» نامیده‌اند (شمی بیشتر به شم خود اهمیت می‌دهد، قضاوتگر در تصمیم‌گیری قاطع است، متفکر نیز در تصمیم‌گیری دنبال منطق است) این تیپ شخصیتی نادرترین و جالب‌ترین تیپ شخصیتی است. بر اساس ویژگی‌های مشخص‌شده این تیپ، ولادیمیر پوتین باهوش و دارای یک پیچیدگی اسرارآمیز در شخصیت است. او اعتمادبهنفس درخشانی دارد و بر ذخیره‌اطلاعاتی که از کار او در حوزه‌های مختلف فراهم شده است، متکی است. از کودکی از کنجکاوی خاصی برخوردار بوده و عطش زیادی برای جمع‌آوری اطلاعات و بالابردن دانشش دارد. (اصطلاح خوره کتاب در بین افراد این تیپ شخصیتی بسیار رایج است). افراد این تیپ شخصیتی معمولاً در یک حوزه خاص شاخص می‌شوند همانند پوتین که در سیاست شاخص شده است. البته آنها می‌توانند در چند حوزه مختلف نیز شاخص باشند. پوتین مانند همه افراد این تیپ شخصیتی به دانش خود مطمئن است. به‌همین دلیل، جای تعجب نیست که به‌این تیپ شخصیتی، عنوان مستقل‌ترین تیپ‌لقب داده‌اند.
سه‌صفت برجسته این تیپ که در پوتین نیز بسیار برجسته است عبارت‌ند از: قاطع، متینگر و روشنگر. این سه صفت دیگر افراد را تنها به‌دلیل اراده مطلق و اعتمادبهنفس بالا وادار می‌کند که ایده‌های او را بپذیرند. هرچند پوتین به‌دنبال لذت‌بردن از کتوِن توجه‌بپوِن نیست و حتی اگر موضوع بحث او را علاقه‌مند نکند، ممکن است که نظراتش را برای خودش نگه دارد. رئیس‌جمهوری فدراسیون روسیه کمال‌گراست و از پرورش ایده‌هایی که در ارتباط مستقیم با او است، لذت می‌برد. او البته بدبین نیز هست. الکساندر رار، مدیر موسسه کریر در برلین و یکی از زندگینامه‌نویسان پوتین می‌گوید: «شخصیت او قطعا شخصیت یک دیکتاتور نیست، اما او یک کمال‌گرا و کنترل‌گر است. بدبینی او یکی از ویژگی‌های شخصیتی اوست. او هنوز هم نتوانسته ویژگی‌های جاسوسی «ک‌ک‌ب» را از خود دور کند و به‌عنوان یک رئیس‌جمهور هم مانند جاسوسان عمل می‌کند و به‌انگیزه همه مشکوک است.» با وجود این صفات کمال‌گرایی و بدبینی اغلب سعی می‌کند در قلمرو منطق باقی بماند و هر ایده‌ای که به ذهن او وارد شود باید از این فیلتر رد شود که آیا در واقعیت عمل می‌کند یا نه. پوتین مانند دیگر افراد این تیپ شخصیتی یک ترکیب غیرمعمول از قاطعیت و تخیل را در درون خود دارد. یعنی هم طرح درخشانی را طراحی می‌کند و هم آن را اجرا می‌کند. یک صحنه شطرنج را تصور کنید که در آن مهرها دایما حرکت می‌کنند و تاکتیک‌های جدید توسط یک دست نامرئی هدایت می‌شود. این آن چیزی است که در تصویرسازی ذهنی افراد این تیپ محبوب است. پوتین همه موقعیت‌های ممکن را در تصمیم‌گیری‌ها برآورد و ارزیابی می‌کند. و حرکت‌های تاکتیکی و استراتژیک را به لحاظ ذهنی محاسبه می‌کند. اگر ایده جدیدی را شروع کند، آن را به‌عنوان یک الزام و تعهد اخلاقی در نظر می‌گیرد و کمال‌گرایی و انگیزه‌اش یک نیروی توانمند برای او ایجاد می‌کنند (مانند مصمم‌بودن در گرفتن بندر کریمه از اوکراین). البته اگر درآی هوشمندی به خرج ندهد برای همیشه اختراش را به‌همین دلیل از دست می‌دهد. او اغلب بار گرفتن تصمیمات مهم را بدون مشورت با دیگران بر دوش می‌گیرد. رهبر فعلی روسیه یک رهبر و استراتژیست مادرزاد است. اما تمایل دارد به دیگران نیز اجازه رقابت بر سر رهبری دهد. (آنچه با آوردن دیمیتری مدوِدوف در راس ریاست‌جمهوری روسیه انجام داد، نشانه‌ای از این تمایل است). هرچند این عمل به لحاظ روانشناختی می‌تواند فریبنده و حتی محاسبه‌گرانه باشد. افراد دارای این تیپ شخصیتی، می‌توانند به‌سادگی به سایه ببروند و کنترل‌شان را در بیشتر تصمیمات مهم حفظ کنند تا به محض اینکه فردی که جانشین آنها در رهبری شده است شکست خورد و نیاز به گرفتن فرمان قدرت از سوی آنها شد، دوباره به قله قدرت برگردند. افراد این تیپ شخصیتی از جمله پوتین حتی در زمانی که در سایه هستند لحتضای اجازه نمی‌دهند که تردید به تصمیمات آنها راه یابد. پوتین به لحاظ روانشناسی یک شخصیت پشت‌برده کامل است. او ممکن است همیشه آرام‌نگار باشد و بدبین نباشد اما روس‌ها در هر موقعیتی می‌توانند به او متکی باشند. افراد دارای این تیپ شخصیتی ترجیح می‌دهند در حوزه‌هایی کار و تحصیل کنند که نیاز به هوش و بیشش داشته باشد. به همین دلیل است که پوتین اقتصاد را در دانشگاه برگزیده و در حرفه‌اش نیز وارد کار سیاسی شد. شخصیت‌های این تیپ به‌ندرت به‌دنبال موقعیت‌های مدیریتی هستند. اگر پوتین این کار را انجام می‌دهد احتمالا به این دلیل است که نیاز دارد قدرت و آزادی بیشتری برای عمل داشته باشد. نه به این دلیل که از مدیریت‌کردن افراد لذت می‌برد. هر نوع تیپ شخصیتی نقاط ضعفی نیز دارد. نقطه‌ضعف بزرگ افراد دارای این تیپ شخصیتی از جمله پوتین این است که یک حوزه‌ای در زندگی‌شان وجود دارد که در آن ذهن درخشانشان کاملا غیرقابل استفاده و حتی مانع تلاش‌هایشان می‌شود. این حوزه عبارت است از روابط صمیمه‌شان و اینکه در این حوزه اغلب با مشکل مواجه می‌شوند و برایشان سخت است که آن را مدیریت کنند (به‌خصوص در سنین پایین‌تر).

یادداشت

کویت می‌تواند شورای

همکاری خلیج‌فارس را نجات دهد؟

ژوزف اکیچین

سه کشور عربی در بیانیه‌ای مشترک به‌طور بی‌سابقه‌ای از اقدامات اخیر دولت قطر انتقاد کرده و این کشور را تهدید به اخراج از شورای همکاری خلیج‌فارس کرده‌اند. شورای همکاری کشورهای عرب خلیج‌فارس (CCASG) شورای تجاری شامل کشورهای پیرامون خلیج‌فارس و کشورهای عرب منطقه است که اعضای آن اهداف تجاری و اجتماعی مشترکی را دنبال می‌کنند. این شورا در ۲۵ می ۱۹۸۱ میلادی تشکیل شد و از جمله اهداف کشورهای عضو این شورا رسیدن به واحد پولی مشترک تا سال ۲۰۱۰ بود، در حال حاضر شش کشور عربستان، بحرین، امارات متحدهعربی، قطر، عمان و کویت عضو این شورای همکاری هستند. در حالی که کشورهای عربستان‌سعودی، امارات‌متحدهعربی و بحرین سفرای خود از قطر را برای اعتراض به آنچه که آنها دخالت بی‌شرمانه در امور منطقه نامیدند فرا خواندند، دولت قطر اقدام ایسن کشورهای عربی را تعجب‌آور و غم‌انگیز خواند. اختلافات بین کشورهای مذکور و در پی آن اقدامات اعتراضی آنها در حالی بالا گرفته است که مقامات این کشورها معتقدند که قطر برخلاف توافقنامه‌ای که در ۲۲‌نوامبر ۲۰۱۳ بین پادشاه عربستان‌سعودی عبدالله بن عبدل و شاهزاده قطر تمیم بن حمد بن خلیفه آل ثانی و با حضور شیخ صباح الاحمد الجابر الصباح امیر کویت امضا شده عمل کرده است. توافقنامه‌ای که یکماه بعد از نشست سالانه شورای همکاری کشورهای خلیج‌فارس در کویت و با حضور همه اعضای این شورا امضا شد. مفاد این توافقنامه که هم‌اکنون علنی شده است در سه مورد خاص بوده است: اول، قطع رابطه این شورا با گروه اخوان‌المسلمین (گروهی که فعالیت آنها در عربستان‌سعودی و امارات‌متحدهعربی غیرقانونی است) دوم، توقف امکان دسترسی و پوشش رسانه‌ای که علیه دولت مصر است و سوم، جلوگیری از هرگونه فعالیت و دخالت ایران در مسایل مربوط به این شورا.

اما آنچه باعث اعتراض و خشم اعضای این شورا شده به گفته آنها کمک‌های بی‌دریغ قطر به گروه اخوان‌المسلمین در مصر و دیگر کشورها از جمله سوریه و با توجه به غیرقانونی بودن فعالیت آنها در بین اعضای شورااست. کمک‌هایی که به گفته این کشورها باعث به‌قدرت‌رسیدن این گروه بین سال‌های ۲۰۱۲ و ۲۰۱۳ شد و همین امر باعث جدی‌شدن هر چه بیشتر لزوم برخورد با این مساله در بین اعضای این شورا شده است. در این خصوص اعضای شورا به زمانی اشاره می‌کنند که قطر کمک‌های خود را در جهت حمایت از رئیس‌جمهور آن زمان مصر محمد مرسی افزایش داده بود و اعضای این شورا نتوانسته بودند مانع از کمک هشت‌میلیون‌دلاری این کشور به دولت مصر شوند. کمکی که اعضای این شورا آن را خطری برای امنیت و ثبات کشورهای عضو این شورا می‌دانستند، اگرچه با برکناری اخوان‌المسلمین و روی‌کار آمدن دولت جدید مصر بانک مرکزی این کشور مبلغ دویلبیون‌دلار از این کمک‌ها را در سپتامبر ۲۰۱۳ به کشور قطر بازگردند و در مقابل کشورهای عربستان‌سعودی، کویت و اسارات متحده عربی نیز قول کمک ۱۵میلیون‌دلاری برای تقویت ثبات دولت جدید مصر را به این کشور دادند.

ادامه در صفحه ۸